

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۲

آیه ۶۱-۶۴

آیه و ترجمه

اءفمن وعدنه وعدا حسنا فهو لقيه كمن متعنه متع الحيوۃ الدنيا ثم هو يوم القيمة من المحضرين ۶۱  
و يوم يناديهم فيقول ائین شركاءى الذين كنتم تزعمون ۶۲  
قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين اءغوينا اءغوينهم كما غوينا تبراءنا اليك ما كانوا ايانا يعبدون ۶۳  
و قيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم و راءوا العذاب لو اءنهم كانوا يهتدون ۶۴  
ترجمه :

۶۱ - آيا كسى كه به او وعده نيك داده ايم و به آن خواهد رسيد، همانند كسى است كه متاع زندگى دنيا به او داده ايم، سپس روز قيامت (براى حساب و جزا) احضار مى شود.  
۶۲ - روزى را به خاطر بياوريد كه خداوند آنها را ندا مى دهد، و مى گويد: كجا هستند شريكانى كه براى من مى پنداشتيد؟!  
۶۳ - گروهى (از معبودان) كه فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده مى گويند: پروردگارا ما اين (عابدان) را گمراه كرديم (آرى) ما آنها را گمراه كرديم همانگونه كه خود

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۳

گمراه شدیم، ما از آنها بيزارى مى جوئیم، آنها در حقيقت ما را نمى پرستيدند (بلكه هواى نفس خویش را پرستش مى كردند).  
۶۴ - به آنها (عابدان) گفته مى شود شما معبودهايتان را كه شريك خدامى پنداشتيد بخوانيد (تا شما را يارى كند) آنها معبودهايشان را مى خوانند، ولى جوابى به آنها نمى دهند.  
در اين هنگام عذاب الهى را (با چشم خود) مى بينند، و آرزو مى كنند اى كاش هدايت يافته بودند.

تفسیر :

### آنها هوای نفس خویش را می پرستیدند

در آیات گذشته سخن از کسانانی بود که به خاطر تمتع و بهره گیری از نعمتهای دنیا کفر را بر ایمان و شرک را بر توحید ترجیح داده اند، در آیات مورد بحث وضع این گروه را در قیامت در برابر مؤمنان راستین مشخص می کند.

نخست با یک مقایسه که به صورت استفهام مطرح شده، وجدان همگان را به داوری می طلبد و می گوید: «آیا کسی که به او وعده نیک داده ایم، و به وعده خود قطعاً خواهد رسید، با کسی که تنها از متاع دنیا به او بهره داده ایم، سپس روز قیامت در پیشگاه پروردگار برای حساب و جزاء احضار می شود یکسان است؟» (افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقیه کمن متعناه متاع الحیوة الدنیا ثم هو یوم القیامة من المحضرين).

بدون شک، هر وجدان بیدار، وعده های نیک الهی و مواهب عظیم و جاویدان او را بر بهره گیری چند روز از نعمتهای فانی و لذات زودگذر که به دنبال آن درد و رنج جاویدان است ترجیح می دهد.

جمله «فهو لاقیه» تاء کیدی است بر اینکه وعده الهی تخلف ناپذیر است و باید چنین باشد، چرا که تخلف از وعده یا به خاطر جهل است یا عجز، که هیچیک از آنها در ذات خدا راه ندارد.

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۴

جمله «هو یوم القیامة من المحضرين» اشاره به احضار در محضر خداوند برای حساب اعمال است، و بعضی آن را به احضار در آتش دوزخ، تفسیر کرده اند ولی تفسیر اول مناسبتر است، و به هر حال این تعبیر نشان می دهد که این آلودگان با اکراه و بدون تمایل به این صحنه کشانده می شوند، و باید هم چنین باشد، چرا که وحشت حساب و کیفر تمام وجود آنها را فرا گرفته است. تعبیر به حیات دنیا که بارها در سوره های مختلف قرآن مجید آمده اشاره به پستی این زندگی در مقایسه با «حیات آخرت» و زندگی جاویدان و زوال ناپذیر آن است، زیرا دنیا از ماده «دنو» (بر وزن غلو) در اصل به معنی نزدیکی در مکان یا زمان یا منزلت و مقام است، سپس دنیا و ادنی گاه به موجودات کوچک که در دسترس قرار دارند، در مقابل موجودات بزرگ اطلاق شده، و گاه در موضوعات پست در مقابل خوب و والا، و گاه به نزدیک در

مقابل دور اطلاق گردیده، و از آنجا که زندگی این جهان در برابر جهان دیگر هم کوچک است و هم بیارزش و هم نزدیک، نام «حیات دنیا» کاملاً متناسب آن است.

و به دنبال این سخن، صحنه‌های رستاخیز را در برابر کفار مجسم می‌کند صحنه‌هایی که از تصورش مو بر بدن راست می‌شود و اندام را به لرزه درمی‌آورد.

می‌گوید: «روزی را به خاطر بیاورید که خداوند آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید: کجا هستند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! (و یومینادیهم فیقول این شرکائی الذین کنتم تزعمون).

بدیهی است این سؤالی است توبیخی، برای اینکه در قیامت که روز کنار رفتن پرده‌ها و حجابها است نه شرک مفهومی دارد و نه مشرکان بر عقیده خود باقی‌بمانند، این سؤال در حقیقت یکنوع سرزنش و مجازات است، یکنوع توبیخ و عقوبت است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۵

اما آنها بجای اینکه به پاسخ پردازند معبودهایشان به سخن در می‌آیند و از آنها اظهار تنفر و بیزاری می‌کنند، زیرا می‌دانیم معبودان گاه بت‌های سنگ و چوبی بودند، و گاه مقدسینی همچون فرشتگان و مسیح، و گاه جن و شیاطین در اینجا گروه سوم به سخن می‌آیند که سخن آنها را در آیه بعد چنین می‌خوانیم: گروهی از معبودان که فرمان عذاب در باره آنها مسلم شده، می‌گویند: پروردگارا! ما این عابدان را گمراه کردیم، آری ما آنها را گمراه کردیم همانگونه که خود گمراه شدیم (ولی آنها به میل خویش به دنبال ما آمدند) ما از آنها بیزاری می‌جوئیم آنها ما را پرستش نمی‌کردند بلکه در حقیقت هوای نفس خویش را می‌پرستیدند (قال الذین حق علیهم القول ربنا هؤلاء الذین اغوینا اغویناهم کما غوینا تیراءنا الیک ما کانوا ایانایعبدون).

بنابراین آیه فوق شبیه آیه ۲۸ سوره یونس است که می‌گوید: و قال شرکائهم ما کنتم ایانایعبدون «معبودان در قیامت رو به سوی عبادت کنندگان خود می‌کنند و می‌گویند شما ما را پرستش نمی‌کردید!» و به این ترتیب معبودان اغواگر، همچون فرعون و نمرود و شیاطین و جن، بیزاری و تنفر خود را از چنین عابدانی اعلام می‌دارند، و به دفاع از خویش بر می‌خیزند، حتی گمراهی آنها را نیز از خود نفی می‌کنند، و می‌گویند: آنها

به میل خود به دنبال ما آمدند.  
ولی بدیهی است نه این نفی اثری دارد و نه آن بیزاری و تبری، و آنها در  
گناه عابدان خود قطعا شریک و سهیمند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۶

جالب توجه این است که در آن روز، هر یک از این منحرفان خلافاً از دیگری  
بیزاری می‌جویند و هر کدام سعی دارند گناه خود را به گردن دیگری افکنند.  
این درست نظیر چیزی است که نمونه کوچک آن را در دنیا با چشم  
خود می‌بینیم که جمعی دست به دست هم می‌دهند تا امر خلافی  
مرتکب شوند، پس از دستگیری و حضور در محضر دادگاه از یکدیگر  
بیزاری می‌جویند، و گناه را به گردن دیگری می‌افکنند، این است، سر نوشت  
گروه‌گمراه و خلافاً در دنیا و آخرت.  
همانگونه که در آیه ۲۲ سوره ابراهیم می‌خوانیم که شیطان در روز قیامت  
به پیروان خود می‌گوید: «من سلطه‌ای بر شما نداشتم، من تنها از  
شما دعوت کردم شما هم مشتاقانه اجابت کردید مرا ملامت نکنید خود  
را ملامت کنید» و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم  
لی فلا تلمونی و لوموا انفسکم.  
و در مورد مشرکان در آیه ۳۰ سوره صافات می‌خوانیم که آنها به مناقشه  
بایکدیگر برمی‌خیزند و هر یک دیگری را مقصر می‌شمرد، اما اغواگران صریحا  
در پاسخ می‌گویند: «ما بر شما سلطه‌ای نداشتیم شما خود گروهی  
طغیانگر بودید» و ما کان لکم علینا من سلطان بل کنتم قوم اطاعین.  
به هر حال به دنبال سؤالی که از آنها در باره معبودهایشان می‌شود و آنها

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۷

در پاسخ عاجز می‌مانند، به آنان «گفته می‌شود شما معبودهایتان را  
که شریک خدا می‌پنداشتید بخوانید» تا به یاری شما برخیزند! (و قیل  
ادعوا شراککم).  
آنها با اینکه می‌دانند در آنجا کاری از دست معبودان ساخته نیست، بر اثر شدت  
وحشت و کوتاه شدن دستشان از همه جا، و یا به خاطر اطاعت فرمان خدا که  
می‌خواهد با چنین کاری مشرکان و معبودان گمراه را در برابر همگان رسوا  
سازد، دست تقاضا به سوی معبودانشان دراز می‌کنند و آنها را به کمک

می خوانند (فدعوهم).  
ولی پیدا است «جوابی به آنها نمی دهند» و دعوت آنها را لبیک نمی گویند  
(فلم يستجيبوا لهم).  
در این هنگام است که «عذاب الهی را در برابر چشم خود می بینند» (وراءوا  
العذاب).  
«و آرزو می کنند که ای کاش هدایت یافته بودند» (لو انهم كانوا يهتدون).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۸

چرا که هر دست و پائی در آنجا کنند جز ناکامی و رسوائی نتیجه ای  
نخواهد داشت، چون تنها راه نجات ایمان و عمل صالح بوده که آنها فاقد آنند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۳۹

آیه ۶۵-۷۰

آیه و ترجمه

و يوم يناديهم فيقول ما ذا اءجبتم المرسلين ۶۵  
فعميت عليهم الانباء يومئذ فهم لا يتساءلون ۶۶  
فاما من تاب و امن و عمل صالحا فعسى ان يكون من المفلحين ۶۷  
و ربك يخلق ما يشاء و يختار ما كان لهم الخيرة سبحن الله و تعالى  
عما يشركون ۶۸  
و ربك يعلم ما تكن صدورهم و ما يعلنون ۶۹  
و هو الله لا اله الا هو له الحمد فى الاولى و الاخرة و له الحكم و اليه ترجعون ۷۰  
ترجمه :

۶۵ - به خاطر بیاورید روزی را که خداوند آنها را ندا می دهد و می گوید:  
به پیامبران چه پاسخی گفتید؟  
۶۶ - در این هنگام همه اخبار بر آنها پوشیده می ماند (حتی نمی توانند)  
از یکدیگر سؤالی کنند!  
۶۷ - اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد امید است از  
رستگاران باشد.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۰

۶۸ - و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند، و هر چه را

بخواهد برمی‌گزینند. آنها (در برابر او) اختیاری ندارند، منزّه است خداوند و برتر است از شریک‌هائی که برای او قائل می‌شوند.

۶۹ - پروردگار تو می‌داند آنچه را که سینه‌هاشان پنهان می‌دارد و آنچه را که آشکار می‌کند.

۷۰ - او خدائی است که معبودی جز او نیست، ستایش برای اوست. در این جهان و در جهان دیگر، حاکمیت (نیز) از آن اوست، و همه شما به‌سوی او باز می‌گردید.

### تفسیر :

آیات مورد بحث، تعقیبی است بر بحثی که در آیات گذشته، پیرامون مشرکان و سوالاتی که از آنها در قیامت می‌شود آمده بود.

به دنبال سؤال از معبودهای آنها، سؤال دیگری از عکس‌العمل آنان در برابر پیامبران می‌شود، می‌فرماید: «روزی را به خاطر بیاورید که خداوند آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید: در برابر پیامبران چه پاسخی گفتید؟! (و) یومینادیهم فیقول ما ذا اجبتم المرسلین).

مسلماً آنها برای این سؤال - همچون سؤال اول - پاسخی ندارند، آیابگویند دعوت آنها را اجابت کردیم که این دروغ است و دروغ در آن صحنه خریدار ندارد؟ یا بگویند تکذیبشان کردیم، به آنها تهمت زدیم، ساحرشان نامیدیم مجنونشان خواندیم، بر ضد آنها دست به پیکار مسلحانه زدیم، و آنها و پیروانشان را به قتل رساندیم؟! چه بگویند؟ هر چه بگویند مایه بدبختی و رسوائی است!

جائی که پیامبران بزرگ الهی در روز قیامت در برابر این سؤال که مردم چه پاسخی به دعوت شما گفتند، می‌گویند: ما در برابر علم تو علمی از خود نداریم، تو علام الغیوبی (مأثده - ۱۰۹) این کوردلان مشرک چه می‌توانند در پاسخ این سؤال بگویند.

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۱

لذا در آیه بعد می‌فرماید: در این هنگام همه اخبار بر آنها پوشیده و پنهان می‌ماند و هیچ پاسخی برای گفتن در اختیار ندارند (فعمیت علیهم الانباء یومئذ).

«حتی نمی‌توانند از یکدیگر سؤالی کنند» و پاسخی از هم بشنوند (فهم لا یتسألون).

قابل توجه اینکه نسبت عمی و نابینائی در آیه فوق به خبرها داده شده نه به خود آنها، نمی گوید آنها نابینا می شوند، بلکه می گوید: «خبرها از پیدا کردن آنها نابینا هستند»! زیرا بسیار می شود که انسان خود از چیزی باخبر نیست اما گوئی خبر دهن به دهن می گردد و به سراغ او می آید، همانگونه که بسیاری از اخبار اجتماعی از همین طریق پخش می شود، اما در آنجا نه افراد، آگاهی دارند و نه خبرها، قابلیت نشر!

و به این ترتیب همه خبرها بر آنها پوشیده می شود، هیچ پاسخی در برابر این سؤال که جواب پیامبران را چه دادید پیدا نمی کنند و سکوتی مطلق سر تا پای آنها را فرا می گیرد.

و از آنجا که روش قرآن این است که همیشه درها را به روی کافران و گنهکاران باز می گذارد تا در هر مرحله ای از فساد و آلودگی باشند بتوانند به راه حق برگردند، در آیه بعد می افزاید: «اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد امید است از رستگاران باشد» (فاما من تاب و آمن و عمل صالحا فعسی ان یكون من المفلحین).

بنابراین راه نجات شما در سه جمله خلاصه می شود: بازگشت به سوی خدا ایمان و عمل صالح، که به دنبال آن مسلما نجات و فلاح و رستگاری است. تعبیر به «(عسی)» (امید است) با اینکه کسی که دارای ایمان و عمل صالح باشد حتما اهل فلاح و رستگاری است، ممکن است به خاطر این باشد که این

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۲

رستگاری مشروط به بقاء و دوام این حالت است و از آنجا که دوام و بقاء در مورد همه توبه کنندگان مسلم نیست تعبیر به عسی شده است.

بعضی از مفسران نیز گفته اند این تعبیر (عسی) هنگامی که از شخص کریم صادر شود مفهوم آن قطعی بودن مطلب است و خداوند اکرم الاکرمین است.

آیه بعد در حقیقت دلیلی است بر نفی شرک و بطلان عقیده مشرکان، می فرماید: «پروردگار تو هر چه را بخواهد خلق می کند، و هر چه را بخواهد بر می گزیند» (و ربک یخلق ما یشاء و یختار).

آفرینش به دست او است و تدبیر و اختیار و گزینش نیز به اراده و فرمان او است.

«آنها در برابر او اختیاری ندارند» (ما کان لهم الخیرة).

اختیار آفرینش با او است، اختیار شفاعت به دست او، و اختیار ارسال پیامبران نیز به اراده او است، خلاصه اختیار همه چیز بستگی به مشیت ذات پاک او دارد. بنابراین نه از بتها کاری ساخته است، و نه حتی از فرشتگان و انبیاء مگر به اجازه او.

به هر حال اطلاق اختیار در اینجا دلیل بر تعمیم آنست، یعنی خداوند هم صاحب اختیار در امور تکوینی است و هم تشریعی و هر دو از مقام خالقیت او سر چشمه می گیرد.

با اینحال چگونه آنها راه شرک می پویند و چگونه به سوی غیر خدای روند؟! لذا در پایان آیه می فرماید: «منزه است خداوند و برتر و بالاتر است از شریکهای که برای او قائل می شوند» (سبحان الله و تعالی عما یشرکون). در روایاتی که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده آیه فوق به مسأله اختیار

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۳

و گزینش امام معصوم از سوی خدا تفسیر شده است، و جمله «ما کان لهم الخیرة» (آنها اختیاری در این زمینه ندارند) نیز بر همین معنی تطبیق شده و این در واقع از قبیل بیان مصداق روشن است، چرا که مسأله حفظ دین و آئین، و انتخاب رهبر معصوم برای این هدف، جز از ناحیه خدا ممکن نیست. آیه بعد که سخن از علم گسترده خداوند می گوید در حقیقت تائیدی است و یا دلیلی است برای آنچه در آیه قبل از اختیار گسترده خداوند بیان شد، می فرماید: «پروردگار تو می داند آنچه را سینه هاشان پنهان می دارد، و آنچه را که آشکار می کنند» (و ربک یعلم ما تکن صدورهم و ما یعلنون). این احاطه او بر همه چیز دلیلی است بر اختیار او نسبت به همه چیز و ضمناً تهدیدی است برای مشرکان که گمان نکنند خدا از نیات و توطئه های آنها آگاه نیست.

آخرین آیه مورد بحث که در حقیقت، حکم نتیجه گیری و توضیح برای آیات گذشته در زمینه نفی شرک دارد، چهار وصف از اوصاف الهی را منعکس می کند که همه فرع بر خالقیت و مختار بودن او است. نخست می گوید: «او خدائی است که معبودی جز او نیست» (و هو الله لا اله الا هو).

چگونه ممکن است معبودی جز او پیدا شود، در حالی که خالق منحصر به او



است، و همه اختیارات متعلق به او می باشد، آنها که به بهانه شفاعت ومانند آن دست به دامن بتها می زنند، سخت در اشتباهند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۴

دیگر اینکه تمام نعمتها چه در این جهان و چه در آن جهان همه از ناحیه او است، و این لازمه خالقیت مطلقه او می باشد، لذا می افزاید «هر حمد و ستایشی نیز به او تعلق می گیرد چه در این جهان و چه در آن جهان» (له الحمد فی الاولى و الاخرة).  
سوم اینکه «حاکم در هر دو عالم او است» (و له الحكم).  
بدیهی است وقتی خالق و مختار او باشد، حاکمیت تکوین و تشریع نیز در اختیار او خواهد بود.  
چهارم اینکه: «بازگشت همه شما (برای حساب و پاداش و کیفر) به سوی او خواهد بود» (و الیه ترجعون).  
او است که شما را آفریده، و او است که از اعمال شما آگاه است و او است که حاکم یوم الجزاء می باشد، بنابر این حساب و جزای شما نیز بدست او خواهد بود.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۵

آیه ۷۱-۷۵

آیه و ترجمه

۷۱ قل اءرايتم ان جعل الله عليكم اليل سرمدا الى يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بضياء فلا تسمعون  
۷۲ قل اءرايتم ان جعل الله عليكم النهار سرمدا الى يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بليل تسكنون فيه فلا تبصرون  
۷۳ و من رحمته جعل لكم اليل و النهار لتسكنوا فيه و لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون  
۷۴ و يوم يناديهم فيقول اءين شركائي الذين كنتم تزعمون  
۷۵ و نزعنا من كل امة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم فعلموا ان الحق لله و ضل عنهم ما كانوا يفترون  
ترجمه :

۷۱ - بگو: به من خبر دهید اگر خداوند شب را برای شما تا روز قیامت جاودان قرار دهد آیا معبودی جز خدا می تواند روشنائی برای شما بیاورد؟ آیا

۷۲ - بگو: به من خبر دهید هر گاه خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از الله است که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی بینید؟!؟

۷۳ - از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد، تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید، شاید شکر نعمت او را بجا آورید.

۷۴ - به خاطر بیاورید روزی را که آنها را ندا می دهد و می گوید کجایند شریکانی که برای من می پنداشتید؟

۷۵ - (در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان گمراه) می گوئیم دلیل خود را بیاورید، اما آنها می دانند که حق برای خداست و تمام آنچه را افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد!

تفسیر :

### نعمت بزرگ روز و شب

آیات مورد بحث سخن از بخش عظیمی از مواهب الهی می گوید که هم دلیلی است بر مسأله توحید و نفی شرک، و از این نظر بحث گذشته را تکمیل می کند، و هم نمونه ای است از نعمتهای خداوند که به خاطر آن شایسته حمد و ستایش است، ستایشی که در آیات قبل به آن اشاره شد، و هم گواهی است بر مختار بودن او در نظام آفرینش و تدبیر این جهان.

نخست به نعمت بزرگ نور و روشنائی روز که مایه هر جنبش و حرکت است اشاره کرده می فرماید: بگو: به من خبر دهید اگر خداوند شب را بر شما تا روز قیامت جاودان قرار می داد آیا معبودی جز خدا می توانست، نور و روشنائی برای شما بیاورد؟ آیا نمی شنوید؟!؟ (قل اراءیتم ان جعل الله علیکم اللیل سرمدا الی یوم القیامة من اله غیر الله یاتیکم بضیاء افلاتسمعون).

در اینجا تعبیر به «ضیاء» (نور) می کند، چرا که هدف اصلی از روز همان

نور و روشنائی است، همان نوری که حیات و زندگی همه موجودات زنده بسته به آن است که اگر نور آفتاب نبود، نه درختی می روئید و نه

گلی می‌خندید، و نه مرغی پرواز می‌کرد، نه انسان زنده‌ای وجود داشت و نه قطره بارانی می‌بارید «(سرمد)» به معنی دائم و همیشگی است (بعضی آن را از ماده «سرد» به معنی «پی‌درپی» دانسته‌اند و میم آن را زائده می‌دانند، ولی ظاهر این است که خود این ماده مستقلاً به معنی دائم و همیشگی می‌باشد).

آیه بعد سخن از نعمت «ظلمت و تاریکی» به میان می‌آورد می‌فرماید: بگو به من خبر دهید آیا اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند چه معبودی غیر از الله است که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟! (قل اراءیتم ان جعل الله علیکم النهار سرمدا الی يوم القيامة من اله غیره الله یتیکم بلیل تسکون فیه افلا تبصرون).

و در سومین آیه که در حقیقت نتیجه‌گیری از دو آیه قبل است می‌فرماید: «از رحمت الهی است که برای شما شب و روز قرار داد، تا از یکسو در آن آرامش پیدا کنید، و از سوی دیگر برای تامین زندگی و بهره‌گیری از فضل خداوند تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید» (و من رحمته جعل لکم اللیل و النهار لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون).

آری گسترده‌گی دامنه رحمت خدا ایجاب می‌کند که تمام وسائل حیات شمارا تامین کند، شما از یکسو نیاز به کار و کوشش و حرکت دارید که بدون

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۸

روشنائی روز ممکن نیست، و از سوی دیگر نیاز به استراحت و آرامش که بدون تاریکی شب کامل نمی‌شود.

امروز از نظر علمی ثابت شده است که در برابر نور تمام دستگاههای بدن انسان فعال و سرزنده می‌شوند: گردش خون، دستگاه تنفس، حرکت قلب، و سایر دستگاهها، و اگر نور بیش از اندازه بتابد، سلولها خسته می‌شوند و نشاط جای خود را به فرسودگی می‌دهد. و بر عکس، دستگاههای بدن در تاریکی شب در آرامش و آسایش عمیقی فرو می‌روند و در سایه آن تجدیدقوا و نشاط می‌کنند (ما شرح این معنا را در جلد ۸ صفحه ۳۴۳ و جلد ۱۲ صفحه ۴۱ بیان کرده‌ایم). جالب توجه اینک هنگامی که سخن از شب جاویدان می‌گوید، در پایان آیه می‌فرماید: «آیا نمی‌شنوید؟» و هنگامی که سخن از روز سرمدی به میان می‌آورد می‌فرماید آیا نمی‌بینید؟ این تفاوت تعبیر ممکن است به خاطر این

باشد که حس متناسب شب گوش است و شنوائی، و حس متناسب روز، چشم است و بینائی تا این حد قرآن مجید در تعبیرات خود دقت به خرج داده است. این نیز شایان توجه است که در پایان این سخن مسأله شکر را مطرح می‌کند، شکر در برابر نظام حساب شده نور و ظلمت، شکری که خواه و ناخواه انسان را به شناخت منعم و معرفت او، وامی‌دارد، و شکری که انگیزه ایمان در مباحث اعتقادی است.

بار دیگر پس از ذکر گوشه‌ای از دلائل توحید و ابطال شرک به سراغ همان سؤالی می‌رود که در آیات گذشته نیز مطرح شده بود، می‌فرماید: «روزی را به خاطر بیاورید که خداوند آنها را ندا می‌دهد و می‌گوید کجایند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! (و یوم ینادیهم فیقول این شرکائی الذین کنتم تزعمون).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۴۹

آیه عینا همان آیه‌ای است که در گذشته (آیه ۶۲ همین سوره) آمد. این تکرار ممکن است به خاطر این باشد که در قیامت در مرحله اول، یک سؤال انفرادی از آنها می‌شود، تا به وجدان خویش بازگردند و شرمنده شوند، اما در مرحله دوم سؤالی در محضر عموم و شاهدان و گواهان که در آیه بعد به آن اشاره شده مطرح می‌شود تا در حضور آنها از کار خود، شرمنده و شرمسار گردند.

لذا در آیه بعد می‌فرماید: «در آن روز ما از هر امتی گواهی برمی‌گزینیم» (و نزعنا من کل امة شهیدا).

سپس «به مشرکان بی‌خبر و گمراه می‌گوئیم: دلیل خود را بر شرکتان بیاورید»؟! (و قلنا هاتوا برهانکم).

اینجا است که همه مسائل آفتابی می‌شود «و آنها می‌دانند که حق برای خدا است» (فعلموا ان الحق لله).

«و تمام آنچه را افترا می‌بستند از دستشان می‌رود، و گم خواهد شد» (و ضل عنهم ما كانوا یفترون).

این گواهان به قرینه آیات دیگر قرآن، همان پیامبرانند که هر پیامبری گواه امت خویش است، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم انبیاء است گواه بر همه انبیاء و امتها، چنانکه در آیه ۴۱ سوره نساء می‌خوانیم: فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء

شهید!»: «حال آنها چگونه است آن روز که برای هر امتی گواهی بر اعمالشان می‌طلبیم و تو را گواه آنها قرار می‌دهیم؟»  
به این ترتیب، مجلسی در حضور انبیاء و پیامبران تشکیل می‌شود و این مشرکان

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۵۰

کوردل و لجوج در آن مجلس بزرگ مورد بازخواست قرار می‌گیرند، در آنجا است که به عمق فاجعه شرک آشنا می‌شوند، و حقانیت پروردگار و پوچی بتها را به روشنی می‌بینند.

جالب اینک که قرآن در اینجا تعبیر به «ضل عنهم ما كانوا یفترون» می‌کند یعنی پندارهای بی‌اساسشان در مورد بتها همه از نظرهایشان محو و غائب می‌شود، چرا که عرصه قیامت عرصه حق است و جائی برای باطل در آنجانیست، باطل از آن صحنه گم می‌شود و محو می‌گردد.

اگر در اینجا باطل پرده‌ای از حق بر خود می‌پوشاند و چند روزی به فریبکاری مشغول می‌شود، در آنجا پرده‌های فریب و نیرنگ کنار می‌رود و جز حق چیزی باقی نمی‌ماند.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر جمله «و نزعنا من کل امة شهیدا» چنین می‌خوانیم «و من هذه الامة امامها» یعنی از این امت نیز امامش را برمی‌گزینیم.

این سخن اشاره به آن است که در هر عصر و زمانی شاهد و گواه معصومی برای امت لازم است، و حدیث فوق از قبل بیان مصداق این معناست.

بعد

↑ فرست

قبل